

نقد و تحلیل بازتاب موضوع جنگ در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»

برنده جایزه بیست سال داستان نویسی دفاع مقدس

محمد رضا یوسفی*

طاهره احمدی ورزنه**

چکیده

هرچند جنگ موضوعی کهنه است، اما با گذر زمان و رخدادهای تازه، نویسندگان نگاه‌های نوینی را به آن مبذول می‌دارند. چنانکه با وقوع جنگ ایران و عراق هر یک از داستان نویسان جنبه‌های تازه‌ای از جنگ را موضوع داستان خود قرار دادند: بسیج نیروهای مردمی؛ رزمندگان و تحلیل‌انگیزه آنان؛ عملیات‌ها و... . توجه به ارزش‌های انسانی در جبهه و پشت جبهه که خود به چند قسمت تقسیم می‌شوند: (ایثار و شجاعت، صبر و شکیبایی، شهید و شهادت، گرایش به ساده زیستی و تحمل سختی و مشقات در جبهه و توجه به مسائل عبادی و احکام عملی)، توصیف و ترسیم صحنه نبرد و رسیدگی به حال مجروحان و حضور امدادگران؛ شوخ طبعی و بازی‌ها در بین رزمندگان که می‌توانست بخشی از فشارهای روانی جنگ و دوری از خانواده‌شان را کاهش دهد. تبلیغات؛ جامعه در زمان جنگ که از افرادی که در ارتباط با جنگ هستند و افرادی که بی‌ارتباط با جنگ زندگی عادی خود را می‌کنند و افراد سودجو یا فرصت طلب تشکیل یافته است. زنان و از جمله مادران رزمندگان و کودکان و نوجوانان از جمله موضوعات مطرح شده در رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه است. رمانی که با محوریت جنگ و ترسیم صحنه نبرد در جبهه شکل گرفته است. بازنمایی و انعکاس این موضوعات برای آشنا ساختن نسل فعلی و آینده با پیامدهای جنگ و نحوه تاثیر در زندگی مردم نقش اساسی را می‌تواند داشته باشد.

واژه های کلیدی: نقد و تحلیل، جنگ، رمان، احمد دهقان، سفر به گرای ۲۷۰ درجه

Myousefi۶۱@yahoo.com

Tahmadi۳۷@yahoo.com

*استادیار دانشگاه قم

**کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

مقدمه

نقش ادبیات و هنر در انتقال فرهنگ ملل مختلف به نسل‌های بعد بر کسی پوشیده نیست. تاریخ اکثر ملل مشحون از مقاومت در برابر نیروهای متجاوز است. ادبیات مقاومت آینه انعکاس فرهنگ ملت‌هایی است که در مقابل دشمن به مقاومت برخاسته و در این میان نقش رمان و مشخصاً «رمان مقاومت» غیر قابل انکار است.

دفاع مقدس هم از موضوعاتی است که پس از انقلاب اسلامی ایران، نویسندگان متعدد از چشم اندازه‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند و در این زمینه قلم رانده‌اند. در این میان داستان‌ها و رمان‌های مختلفی از جبهه و جنگ روایت شده است و برای خوانندگانی که این مکان و زمان ویژه را تجربه نکرده‌اند، همیشه جذابیتی خاص داشته است.

و از آنجایی که بازتاب مسائل اجتماعی در آینه ادبیات، واقعی‌تر و ملموس‌تر است و بازتاب ماندگار حوادث مهم اجتماعی مثل جنگ در داستان‌ها و رمان‌ها نمود اصلی دارد طبیعتاً تبعات اجتماعی، ارزش‌ها و ضد ارزش‌های جنگ تحمیلی را نیز می‌توان در رمان‌های دفاع مقدس مشاهده کرد؛ بنابراین پرداختن به نحوه بازتاب موضوع جنگ در رمان سفر به گرای، ۲۷۰ درجه می‌تواند تا حد زیادی نگرش کلی مردم را به این واقعه بزرگ تاریخ معاصر نشان دهد. در این مقاله ابتدا به بررسی و تحلیل رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه سپس به تحلیل بازتاب موضوع جنگ در این رمان می‌پردازیم.

معرفی احمد دهقان نویسنده رمان:

احمد دهقان در خرداد ماه ۱۳۴۵ در کرج به دنیا آمد. او اصالتاً یزدی است. اوایل سال ۱۳۶۱- یعنی درست روز دوم فروردین- به جبهه رفت بدون هیچ آموزش و تعلیمات نظامی! عملیات فتح المبین شروع شده بود و احتیاج به نیرو داشت. پس از آن هم در عملیات بزرگ بیت المقدس به جبهه اعزام

شد. بعد از این دو عملیات، مکرر به مناطق جنگی رفت. نزدیک به شصت ماه و تا پایان جنگ در جبهه بود.

او در دوازده، سیزده عملیات بزرگ به طور مستقیم حضور داشت و چهار پنج بار مجروح شد تا اینکه پس از پایان جنگ درس خواندن را شروع کرد. با توجه به اوضاع و احوالی که داشت و سرخوردگی پس از جنگ درس را ادامه داد و رشته برق را در دانشگاه خواند. در مقطع فوق لیسانس در رشته مورد علاقه‌اش (مردم شناسی) تحصیل کرد و پایان نامه کارشناسی ارشد خود را در رشته مردم شناسی نیز به دفاع مقدس و خاطره‌های آن اختصاص داد. احمد دهقان سال‌هاست به عنوان کارشناس ادبی در دفتر ادبیات و هنر مقاومت و مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری فعالیت می‌کند.

دهقان در سال ۶۸ و ۶۹ خاطرات خود را از جنگ نوشت و اولین اثر مکتوب او «ستاره‌های شلمچه» بود. در سال ۱۳۷۰ هم «روزهای آخر» را نوشت که این دو کتاب در سال ۷۳ به عنوان برگزیده بخش خاطرات معرفی شدند. در ادامه آثارش مجموعه سه جلدی به نام «قصه فرماندهان» را برای نوجوانان نوشت که در سال ۱۳۷۵ در بین کارهای جنگ، سوم شد. بعد از سال ۷۰ وقتی به طور جدی ادبیات را دنبال کرد و حس کرد که می‌خواهد نویسنده شود. همه وقت خود را به این کار اختصاص داد و در سال ۱۳۷۴ «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» را تمام کرد. این رمان در سال ۱۳۷۵ منتشر شد و در سال بعد همین رمان به عنوان یکی از آثار برگزیده بیست سال داستان نویسی معرفی گردید و مدتی بعد به عنوان برگزیده بیست سال ادبیات پایداری معرفی شد. «پال اسپراکمن» نایب رئیس مرکز مطالعات دانشگاهی خاورمیانه در دانشگاه راتجز نیوجرسی آمریکا این رمان را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است.

از دیگر آثار احمد دهقان می‌توان به ناگفته‌های جنگ، نگین هامون، هجوم، پرنده و تانک، گردان چهار نفره، من قاتل پسران هستم، و دشت بان اشاره کرد. (برگرفته از روزنامه قدس، ش ۶۱۶۳؛ زاهدی مطلق: ۱۳۸۴، ۱۴۱ و ۱۴۲؛ سایت کتاب نیوز؛ سایت ساجد)

خلاصه رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه

متن «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» حادثه عظیم دفاع مقدس است. روایتی ملموس و صادقانه از زندگی در جنگ، این سفر بر شانه‌های بستر حوادث عینی استوار است. خاطراتی از منظر یک جوان، جوانی که در کوران نفس‌گیر مرگ و زندگی، تجربه‌های بزرگ را از سر می‌گذراند. دهقان سعی کرده است با مخاطبش رو راست باشد و آنچه از جنگ می‌داند صادقانه با مخاطبش در میان بگذارد.

رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» حکایت ناصر است. ناصر در ابتدا محصلی است که به امتحانات خود می‌اندیشد ولی در مراحل بعدی مخاطب درمی‌یابد دغدغه اصلی ذهن او چیز دیگری است؛ یعنی رفتن به مناطق جنگی و شرکت در عملیات جنگ. این دغدغه‌های درونی در نهایت به آرزوهایی تبدیل می‌شود. از آن جایی که این آرزوها یکی پس از دیگری تحقق می‌یابد نوعی ارضا شدن در شخصیت ناصر به چشم می‌آید. او مشق و درس و مدرسه را رها می‌کند و به همراه دوستش علی روانه منطقه جنگی جنوب می‌شود. در آن جا ضمن دیدار با دوستان سابقش برای یک عملیات مهم آماده می‌شود. در حین عملیات بسیاری از دوستانش شهید و مجروح می‌شوند. خود او نیز، که جراحت سطحی برداشته است به پشت خط می‌آید و بعد از چند روز به شهر خود باز می‌گردد و زندگی عادی را از سر می‌گیرد. مجدداً با دریافت تلگراف رسول (دوست نوجوان رزمنده اش که خبر از عملیاتی قریب الوقوع می‌دهد) خود را آماده بازگشت به منطقه می‌کند. (برگرفته از سایت کتاب نیوز)

تحلیل و بررسی رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه

این رمان شرح جزء به جزء رویدادها، حوادث و وقایع با ارجاع به واقعیت تاریخی جنگ هشت ساله، این قضیه را اثبات می‌کند. رمان مورد بحث تشریح رویدادهایی است که برای راوی اتفاق افتاده است. اما این حوادث و رویدادها در یک وسعت مکانی گسترش می‌یابند. به طوری که می‌توان گفت رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» رمان رئالیستی درباره یک رویداد تاریخی است. بعضی معتقدند این

رمان از جهاتی به شیوه خاطره به نگارش درآمده است و به همین دلیل از غنای قابل توجهی برخوردار است اما از طرفی این شیوه نگارش به ساختار رمان آسیب وارد کرده است. مهم‌ترین ویژگی که این رمان را به خاطره نزدیک می‌کند، ویژگی «واقع‌نمایی» یا «راست‌نمایی» آن است.

اما «مالکام برادبری» ویژگی واقع‌گرایی را شامل رمان‌هایی که ساختمان پیچیده دارند و با اشکال سبک‌ها و فنون پیچیده‌ای همراهند نیز می‌شود، می‌داند. مثل رمان‌هایی که ساختمانی بسیار دقیق و کنترل شده دارند، یا ساختمانشان را موافق با اصول زیباشناسی بنا می‌کنند. (یعنی همان چیزی که هنری جیمز دو قالبی می‌داند که محصول دقیق به جزئیات و اجزای خاص است). (مالکام برادبری: ۱۳۷۴، ۱۲۲)

رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه از زاویه دید اول شخص و توسط شخصی به نام ناصر روایت می‌شود. در این داستان، نویسنده با وسواسی شدید تمام هم خود را مصروف شرح جزئیات و توصیف لحظه به لحظه حرکات، نقطه نظرها و صحبت‌هایی است که راوی با دیگران کرده است. این دقت و ظرافت در پردازش صحنه‌ها در سراسر رمان کاملاً مشهود است. آن چنان که بیان حوادث گاه جذابیت داستان را از میان برده است. شرح جزئیات و توصیفات مطالب بی‌ارزش حالت تعلیق در داستان را به کلی به وادی فراموشی سپرده است. البته در هنگام آغاز عملیات و اعزام نیروها یعنی از صفحه ۸۷ به بعد حالت شک و انتظار کمی در دل خواننده به وجود می‌آید اما بار دیگر در طول عملیات، نویسنده درگیر توصیف صحنه‌های بی‌مورد، اضافی و خسته‌کننده می‌شود و خواننده را کسل می‌کند. مثلاً:

«حیدر، فرماندهان دسته‌ها را به جلو می‌خواند و می‌گوید چه باید بکنیم. ستون برمی‌خیزد. باز حالت جنگی به خود می‌گیریم. دستور حرکت می‌دهد. راه می‌افتیم؛ اما خمیده و با احتیاط. نفس در سینه‌ها مان‌گره می‌خورد و آرام بالا می‌آید. پشت خاکریز دشمن شلوغ می‌شود و سر و صدایشان بلند است. به هر سو می‌دوند و همدیگر را صدا می‌زنند. انگار بو برده‌اند. حیدر یکی از آرپی جی زن‌ها را می‌فرستد وسط دشت و می‌گوید: بزن.» (احمد دهقان: ۱۳۸۸، ۱۵۳)

کنش‌های منطقی در داستان در نتیجه خلق حوادث مرتبط و متوالی به وجود می‌آیند. داستان‌های جنگی باید از کنش و کشمکش مملو باشد؛ اما در این رمان خواننده شاهد کشمکش قوی و پایدار نیست. مهم‌ترین کشمکش اصلی داستان که حالت تعلیق نیز به اوج خود می‌رسد از نوع بیرونی و ترسیم صحنه‌های نبرد بین رزمندگان و نیروهای دشمن است. نویسنده در رسیدن به این کشمکش در رساندن خواننده به نقطه اوج داستان، همان‌گونه که قبلاً به آن اشاره شد تعلل بسیار ورزیده است. هرچند در اوایل رمان حالت تعلیق در کنار عنصر کشمکش قرار دارد و به خوبی داستان را پیش می‌برد. در همان ابتدای داستان ناصر با خود درگیر است. او از سویی در حال امتحان دادن است و از سویی یاد جبهه و رزمندگان هوش و حواسش را ربوده است. بازگشت ذهن به عقب و یادآوری صحنه‌های نبرد دلیل این مدعاست. ناصر پس از غلبه بر این کشمکش (با دیدن نامه علی) وارد مرحله جدیدی می‌شود و با پدر خود کشمکش پیدا می‌کند. کشمکش‌ها به قدری سطحی و زودنگر است که حالت تعلیق را در خواننده به وجود نمی‌آورد. از جمله کشمکشی که بین ناصر و مسئول کارگزینی، و ناصر و پدرش برای رفتن به جبهه است.

نکته قابل ذکر در این رمان این است که طرح داستان به گونه‌ای است که خواننده با معرفی سریع و متوالی تعداد بی‌شماری رزمنده مواجه می‌شود. نویسنده در رمان بیشتر شخصیت‌ها را فقط با قیافه ظاهری به مخاطب معرفی می‌کند و خواننده نمی‌تواند با تمامی این شخصیت‌ها ارتباط پیدا کند مگر با چند شخصیت چون ناصر، علی، میرزا و رسول. خواننده هیچ‌گونه احساس و ارتباطی با دیگر افراد پیدا نمی‌کند و گویا در ادامه داستان به وادی فراموشی سپرده می‌شوند. مثلاً:

شخصیت ناصر؛ [حقیقت نام ناصر برگرفته از نام یک دوست است. دوستی که رابطه صمیمی با احمد دهقان داشته. می‌گوید غمناک‌ترین جای جبهه آن شبی بود که ناصر شهید شد خودم نیز مجروح شدم. (زاهدی مطلق، ۱۳۸۴، ۲۸) راوی داستان، کسی که با میل خود به جبهه رفته و بارها با مرگ روبرو شده است، کمی متفاوت از دیگران طرح شده است. ناصر شخصیتی است که نویسنده در طی داستان

خلق کرده است. کسی است که با یک بسیجی که در ذهن خواننده شکل گرفته کمی متفاوت است. او به راحتی عصبانی می‌شود و حاضر جواب است. شخصیتی که در ابتدا شور و شوق او را برای دفاع از مملکت به وضوح می‌بینیم ولی در فضای جبهه هنگامی که حسین به او می‌گوید به دسته ابوالفضل - جایی که به او احتیاج دارند- برود، راضی نمی‌شود که برود.

- «ابوالفضل رفته دسته دو. خبرداری که. هرچی به بچه‌ها گفتم برم پیشش، قبول نکردن. کار نزدیکه. ابوالفضل دست تنهاس. بعد از ظهری این جا بود. شنیده اومدی. می‌خواست بفرستت تو دسته- اش...»

با زهرخندی می‌روم تو حرفش.
- هیچ کدوم از بچه‌ها نرفتن. حالا که به قول خودت کار نزدیکه، من برم که هیچ کدوم از بچه هاشونو نمی‌شناسم؟ (احمد دهقان: ۱۳۸۸، ۴۹)
در صفحه ۲۱۲ رمان هنگامی که دوباره تقی از بیمارستان به موقعیت ابراهیم باز می‌گردد می‌گوید:

« او بی‌رحمانه می‌رود و تنه‌ایم می‌گذارد. حرکت می‌کنم. قدم‌هایم آرام و سنگین است. جلوتر چند نفر با هم حرف می‌زنند...»

در حقیقت ناصر دارد به دوستانش نزدیک می‌شود. تنها ترسش این است که آیا این افراد جزو دوستانش هستند یا افراد دیگری جای آنها را گرفته‌اند. با این حال می‌گوید: « او بی‌رحمانه می‌رود.»

اما به محض اینکه مطلع می‌شود آمبولانس برای بردن مجروحان به بهداری آمده بدون خداحافظی از دوستان به سوی آمبولانس می‌رود.

«تقی از میان نخل‌ها صدایم می‌زند.

- آمبولانس داره می‌ره بهداری، می‌ای؟

از خوشحالی بال در می‌آورم، برمی‌خیزم و بدون خداحافظی می‌رم طرف جاده...» (همان، ۲۱۴)

نویسنده رمان گویا برای اینکه شخصیت اصلی داستان را از شخصیت‌های کلیشه‌ای داستان‌های دیگر جدا سازد، شخصیتی کاملاً حقیقی را خلق کرده است. هرچند خواننده ممکن است نداشتن روحیه بسیجی را در این شخصیت درک کند؛ اما او را مثل دیگران می‌داند. گاه می‌ترسد، گاه به هیجان می‌آید، از حالت‌های مختلفی که برایش اتفاق می‌افتد می‌نالند و از دست رسول حرص می‌خورد.

شخصیت **علی**؛ شخصیت ساده و بی‌پیرایه‌ای است که همیشه در حال شوخی و خنده است. بلقیس سلیمانی معتقد است: « آدم‌ها برای نویسنده از همان اول پاک و تطهیر شده نیستند، وقتی برای اولین بار علی را به خواننده معرفی می‌کند چهره کاملاً معمولی از او به تصویر می‌کشد. او می‌خندد، می‌خورد و یکریز حرف می‌زند ... (ص ۲۱) لقمه‌های بزرگ می‌چپاند توی دهانش ... (ص ۲۲) برای ناصر زبانش را درمی‌آورد (ص ۲۳) و در کل جوانی است معمولی که در جنگ و در هنگامه نبرد از خود شجاعت و رشادتی بی‌نظیر نشان می‌دهد. بر خلاف بسیاری از نویسندگان ادبیات جنگ، احمد دهقان از همان آغاز شخصیت‌های اسطوره‌ای و فراواقعی وارد رمانش نمی‌کند. او بچه‌های معمولی جبهه را که در موقعیت جنگ اعمالی انسانی از خود بروز می‌دهند، وارد باری در داستانش می‌کند و دست بر قضا این چهره‌ها برای خواننده جذاب‌تر هستند؛ زیرا خواننده می‌تواند با آنان همدلی و همراهی کند، چراکه آنها از جنس خود او هستند.» (سلیمانی: ۱۳۸۰، ۱۴۴ و ۱۴۵)

شخصیت رسول - پسرک مهتاب رو - نوجوان رزمنده‌ای که علی‌رغم شهادت دو برادرش، به جبهه آمده و به زور فرماندهانش را مجبور می‌کند تا در عملیات شرکت کند. او که تازه در جبهه به بلوغ می‌رسد، از تاریکی گورستان می‌ترسد و در عمرش حتی یک تیر هم شلیک نکرده است. چنین نوجوانی در جنگ چنان صیقل خورده آب داده می‌شود و چنان بزرگ می‌شود که اسلحه به دست می‌گیرد و هرچند ناشیانه بالاخره شلیک می‌کند. خلق چنین شخصیتی به گونه‌ای است که موجب می‌شود خواننده به او علاقه‌مند شود. او در دنیای ایثار و فداکاری گام برمی‌دارد و از هر گونه کمک خالصانه به شخصیت اصلی داستان و دیگران دست بردار نیست.

«رسول که مردد بود، تا صدای شلیک را بغل گوشش می‌شنود، انگار حمایتی ازش شده و این صدای گوشخراش همه ترس‌ها را از اندرونش پاک کرده باشد، سراسیمه سر اسلحه اش را بالا می‌گیرد و بی‌هدف یک تیر شلیک می‌کند و در جا می‌نشیند عینهو گنجشکی که از تو دام رهیده.» (احمد دهقان: ۱۳۸۸، ۱۹۷)

شخصیت میرزا؛ از دیگر شخصیت‌های فعال در رمان است که خواننده با او نیز به نحوی ارتباط برقرار می‌کند. با وجود لکنت زبان، کسی را یارای درگیری لفظی با او نیست. او قادر است از خود دفاع کند و با بچه‌هایی که مدام او را اذیت می‌کنند مقابله کند.

فضاسازی:

آنچه در ادامه باید به آن اشاره کرد فضاسازی‌های زیبایی است که ما در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» با آن مواجه می‌شویم. نویسنده به زیبایی هر چه تمام‌تر صحنه‌آرایی کرده و فضای داستان را در راستای شخصیت‌ها و کنش‌های داستانی قرار می‌دهد. صحنه‌های نبرد به خوبی ترسیم شده‌اند. مخصوصاً صحنه‌هایی که در آن از ایثار و رشادت رزمندگان و صحنه به شهادت رسیدن علی به خوبی تصویر شده است. هم‌چنین حضور تانک‌های دشمن در میان رزمندگان به دقت و ریزبینی خاصی توصیف شده است. توصیف‌های زیبا در این رمان کم نیست و نمی‌توان از آنها چشم پوشید. این توصیف‌ها شامل انسان، مکان و حتی وسایل هم می‌شود. مثلاً:

«ماه که به سیب گاز زده می‌ماند.» (همان، ۸۹) و «رسول ماهی است که در تنگ آب جولان می‌کند.» (همان، ۱۱۸) و توصیفاتی در صفحات ۲۵، ۷۹، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۳، ۱۸۸، ۱۹۳ توجه خواننده را به خود جلب می‌کند.

موضوعات مطرح شده در رمان

جنگ با دگرگون ساختن زندگی و زمانه، ادبیات را نیز که آینه زمان است دچار دگرگونی و تحول می‌کند. از این رو ادبیات با یک دوره حوادث و مسائل آن عصر ارتباط ناگسستنی دارد و در بازنمایی و انعکاس زیر و بم‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی جوامع انسانی نقش محوری ایفا می‌کند. این بدان معناست که در موقعیت جنگ، رفتارها، کنش‌ها، اعتقادات، باورها و ارزش‌ها به همان طریقی که درک موقعیت عادی شکل می‌گیرد و به منصفه ظهور می‌رسد، به مرحله عمل در نمی‌آید؛ به همین دلیل دغدغه اصلی نویسندگان ادبیات جنگ در مقاطع گوناگون به تصویر کشیدن جنگ از این زوایا بوده است.

در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» موضوعات: ۱- بسیج و نیروهای مردمی ۲- رزمندگان و تحلیل انگیزه آنان از رفتن به جبهه ۳- عملیات‌ها ۴- توجه به ارزش‌های انسانی در جبهه و پشت جبهه (شامل: الف. شجاعت و ایثار، ب. صبر و شکیبایی، ج. شهید و شهادت، د. گرایش به ساده زیستی و تحمل سختی و مشتقات، ه. توجه به مسائل عبادی و احکام عملی) ۵- توصیف صحنه نبرد ۶- وضعیت مجروحان و امدادگران ۷- اوقات فراغت و شوخ طبعی در جبهه ۸- تبلیغات ۹- جامعه ۱۰- زنان ۱۱- کودکان و نوجوانان مطرح شده است که در ادامه بازتاب هر کدام از این موضوعات در رمان بازنمایند می‌شود.

تحلیل و بازتاب موضوعات:

۱- نیروهای مردمی: از برجسته‌ترین ویژگی‌های جنگ، مردمی بودن آن بود که با توجه به ویژگی حضور مردم جنگ ابعاد جدیدی به خود گرفت. نیروهای مردمی که در قالب بسیج مردمی مردمی به جبهه‌های جنگ می‌شتافتند، همه خود را رزمنده، برابر و برادر می‌خواندند. آنها در هنگام مبارزه و جنگ دوشادوش یکدیگر می‌جنگیدند و در هر شرایط و موقعیت نیز هر کدام گوشه‌ای از کار را گرفته و با هم همکاری می‌کردند.

کامران پارسی نژاد در این باره می‌گوید: «بسیاری از رزمندگان یا روستایی بودند و از شهرهای کوچک آمده بودند یا به طبقات پایین جامعه تعلق داشتند. این افراد به انجام کارهای سخت عادت داشتند و همواره یاری رسان همه بودند. با این حال نویسنده داستان جنگ نباید همواره یک طبقه خاص اجتماعی را مطرح سازد. نویسنده می‌بایست از تمامی طبقات اجتماعی در داستان خود استفاده کند. رزمندگان هر یک در محیط‌های کاملاً متفاوتی بزرگ شده‌اند و قیاس پیشینه آنها با عملکردشان در جبهه می‌تواند درون مایه بسیاری از داستان‌ها باشد. به همین دلیل نویسندگان با پیش کشیدن گذشته این افراد می‌توانند به داستان غنا بخشند. (پارسی نژاد: ۱۳۸۴، ۳۹ و ۴۰)

در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نویسنده رزمندگان را افراد ساده‌ای می‌داند که صرفاً برای مبارزه و دفاع از مملکت به جبهه آمده‌اند. البته نویسنده فقط هویت اصلی و پیشینه شخصیت اصلی (ناصر) را مشخص می‌کند و سایر شخصیت‌ها در رمان مشخص نمی‌شوند که به چه طبقه اجتماعی تعلق دارند و حتی محیطی که در آن پرورش یافته‌اند چه تاثیری در زندگی و حضور آنها در جبهه دارد. طبقه اجتماعی راوی داستان (ناصر) به دقت و غیر مستقیم مشخص شده است. نویسنده در این زمینه موفق بوده است. از کلی‌گویی پرهیز کرده و به ظرافت جایگاه اجتماعی خانواده او را مشخص می‌کند: «سقف از نم آب رگه رگه شده» (احمد دهقان: ۱۳۸۸، ۶) و هم‌چنین در صفحات ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴. پس می‌توان نیروهای حاضر در رمان را که در جبهه حاضر می‌شوند همان بسیج مردمی در نظر گرفت که برای حفظ کیان نظام اسلامی به سوی میداین جنگ شتافتند. از جمله راننده داش مشتی که وقتی در صحنه نبرد علیه دشمن خود را در بین رزمندگان می‌بیند سلاح به دست می‌گیرد و می‌جنگد: صفحه ۱۶۹.

۲- تحلیل انگیزه اصلی رزمندگان: در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نویسنده به طور مستقیم

به انگیزه هر یک از شخصیت‌های داستان که به عنوان رزمنده در صحنه نبرد علیه دشمن حاضر می‌شود اشاره نمی‌کند. در این رمان خواننده با تعدد شخصیت‌ها در فضای جبهه روبرو می‌شود. حتی تعدد این شخصیت‌ها در درون و بافت داستانی هم خوب ننشسته است. چراکه خواننده نمی‌تواند با تمامی

شخصیت‌ها در رمان ارتباط برقرار کند. زیرا با ورود هر شخصیت تازه به فضای رمان، مخاطب خود را ملزم می‌داند تمام حرکات و گفته‌های او را به حافظه بسپارد؛ کثرت شخصیت‌ها این امکان را از او سلب می‌کند چون قادر نیست همه آدم‌ها را آن‌گونه که هستند بشناسد و لمس کند.

در رمان، علی، دوست ناصر، او را به جنگ برمی‌گرداند و معتقد است او می‌تواند بر دوستان خود تاثیرگذار باشد. از این رو به خدمت گرفتن آنها فردی نیست بلکه شامل گروهی از دوستان است. کشتن یک انسان کار ساده‌ای نیست. اما این تفکر وجود دارد که دشمن انسان پست و دونی است که شایستگی زیستن را ندارد پس باید او را کشت. محتملاً دهقان با فرض اینکه خواننده دلایل و انگیزه حضور شخصیت‌ها را می‌داند و این امر بدیهی است به انگیزه هیچ یک از شخصیت‌ها (رزمندگان) اشاره نکرده است. زیرا انگیزه اصلی هر یک از آنان را دفاع در مقابل دشمن و فرجام‌نهایی را شهادت می‌داند. ممکن است این سوال در ذهن خواننده ایجاد شود که فضای کلی این رمان بیشتر ترسیم صحنه نبرد است و دشمن حضور ندارد لذا بیشتر با وسایل و ابزارهای پیچیده دشمن روبرو هستیم تا خود دشمن. همین ایجاد مشکل می‌کند که ما انگیزه رزمندگان، اینارها و شهادت‌های آنها و اینکه برای چه می‌جنگند را درنماییم. ولی نویسنده در چند صحنه شرح به شهادت رسیدن رزمندگان را توصیف می‌کند پس می‌توان گفت آنچه موجب حرکت و عمل رزمندگان می‌شود «اعتقاد به باورهای دینی و مذهبی» است، نه چشمداشت مادی یا انگیزه قدرت طلبانه و حیوانی.

۳- عملیات‌ها: همان طور که می‌دانیم در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» ناصر (راوی داستان)

خود را برای انجام «عملیات کربلای ۵» خود را به جبهه می‌رساند و به شرح وقایع و حوادث در این عملیات می‌پردازد. شب‌های عملیات: ص ۸۷، خوشحالی رزمندگان برای رفتن به عملیات: ص ۸۹، شب و روزهای عملیات (که آن چنان برای رزمندگان مهم و لذت بخش بود که وقتی رزمنده‌ای را اعزام به عملیات نمی‌کردند واکنش و عکس‌العمل او که بسیار ناراحت کننده بود) به نمایش گذاشته شده: ص ۹۴،

ذکر و مناجات با خدا در موقع اعزام به عملیات: ص ۹۷، شوخی کردن در این فضا با هم: ص ۱۲۶، قسم‌هایی که رزمندگان و دوستانشان با یکدیگر می‌خوردند تا پیش از هر اتفاقی صبور باشند و آرامش خود را حفظ کنند: ص ۱۳۰، حال و هوای رزمندگان در شب عملیات و آمادگی آنها جهت حمله: ص ۱۴۰ از رویدادهای مهم در شب‌ها و روزهای عملیات در رمان بود.

۴- توجه به ارزش‌های انسانی در جبهه و پشت جبهه: این عنوان خود به چند قسمت تقسیم

می‌شود:

الف) ایثار و شجاعت در جبهه و پشت جبهه: جامعه جبهه‌ای که در این رمان به تصویر کشیده می‌شود کاملاً متفاوت است. همان‌طور که قبلاً نیز گفتیم رزمندگان اسلام در این جبهه در مقابل خصم صف آرایی کرده‌اند و به مبارزه مشغولند. شخصیت‌هایی که در رمان مشخص شده‌اند در محیط و فضای پیرامون خود عمدتاً با مسائل و مشکلات مهم و حیاتی درگیر نیستند. یعنی به غیر از نبرد علیه دشمن، آنها در هیچ کشمکش بیرونی یا درونی شرکت نمی‌کنند تا در پایان بتوانند خود را از قید و بندهای موجود برهانند و متحول شوند.

نویسنده رمان با آنکه حضور عینی در جبهه داشته است، بیشتر تصاویری که از جبهه ارائه می‌دهد تصاویر درست و حساب شده‌ای از جامعه جبهه و نوع ارتباط با رزمندگان با یکدیگر نیست و صرفاً از یک منظر خاص بیانگر ارتباط غیر عاطفی میان رزمندگان است. وی برای اینکه بتواند جبهه را از حالت کلیشه‌ای خارج کند و برای پرهیز از شعارگرایی در صدد بوده تا فضای حاکم بر جبهه را غیر روحانی و ناخوشایند به نمایش بگذارد. درصد «ایثار و شجاعت» در این رمان با آنکه بیشتر ترسیم صحنه نبرد است بسیار کم رنگ است. شخصیت‌های رمان بیشتر خودمحور هستند و تنها به فکر خودند. در چنین شرایطی روند داستان پیش می‌رود و ما با هیچ تغییری مواجه نمی‌شویم. گویی از آن همه ایثارها و از خودگذشتگی‌ها خبری نیست. در بیشتر اذهان این تصویر وجود دارد که فضای حاکم بر جبهه‌های حق علیه باطل فضایی کاملاً روحانی سرشار از شور و هیجان میل به شهادت، ایثار، از

خودگذشتگی و شجاعت بوده است. در صورتی که ما در این رمان به غیر از ترسیم صحنه نبرد با دشمن چنین فضاهایی را مشاهده نمی‌کنیم. رسول در این رمان به عنوان سمبل فردی مهربان و ایثارگر معرفی شده اما برای او اجری در نظر گرفته نمی‌شود: ص ۵۵. گاهی حتی با بی‌اعتنایی شخصیت اصلی رمان (راوی داستان) در فضای جبهه- در مقابل دیگر رزمندگان هنگامی که به آن‌ها نیازمند هستند- مواجه می‌شویم: ص ۱۲۰.

ب) صبر و شکیبایی در جبهه یا پشت جبهه: در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» صبر و شکیبایی رزمندگان را می‌بینیم که از طریق روحیه دادن به هم، یکدیگر را به صبر در مقابل این ظلم فرامی‌خوانند: ص ۱۱۱. گاهی رزمندگان از طریق حس دوست داشتن و به یاد روزهای خوب با خانواده، در اوج صحنه‌های نبرد با دشمن صبوری از خود نشان می‌دهند و در مقابل آنها ایستادگی می‌کنند: ص ۱۷۴.

ج) شهید و شهادت: نویسنده رمان نگاه مثبت به شهادت دارد. او تمام صحنه‌های مربوط به شهادت رزمندگان و حتی مجروح شدن آنها را با تمام جزئیات بیان می‌کند. هم‌چنین به خواب دیدن شهادت رزمندگان توسط دوستان خود قبل از حمله اشاره می‌کند: ص ۶۵ و ۶۶. در ترسیم صحنه نبرد به توصیف نحوه شهادت رزمندگان می‌پردازد؛ به جا ماندن اجساد شهدا و متاثر شدن رزمندگان از دیدن این صحنه‌ها: ص ۱۳۸. به طوری که یکی از توصیف‌های زیبای رمان، صحنه به شهادت رسیدن علی، دوست ناصر، است:

« این نگاه ناباور و هراسناک علی است که چشم دوخته به من، می‌نشینم. تانک از رو کمر او رد شده. هنوز شاهرگش دل می‌کند و چشم چپش می‌پرد. او نصف شده؛ نصف نصف. سرش را در بغل می‌گیرم. از کمر به بالا در بغل من است و از کمر به پایین ...» (احمد دهقان: ۱۳۸۸، ۱۴۸)

صحنه چگونگی شهادت و متاثر شدن رزمندگان را در صفحات ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹ و

۱۹۱ مشاهده می‌کنیم.

د) گرایش به ساده زیستی و تحمل سختی و مشقت درجبهه: شاید وقتی عنوان را می‌بینیم بگوییم مگر در جبهه غیر از ساده زیستی هم ممکن بود. بله، فضای جبهه فضای ساده و صمیمی رزمندگان با یکدیگر حاکی از این است که این ساده زیستن و قانع بودن رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس چه بسا به عنوان یک ارزش بعد از پایان جنگ می‌توانست موجب تحول شخصیت‌ها شود و جبهه خود به یک مکتب آموزشی برای آنان باشد. در این رمان دهقان از عوامل طبیعی در آرایش صحنه به خوبی استفاده کرده است. عناصری چون باد، آتش و سرما به خوبی بیانگر حال و هوای داستان هستند. در اوایل داستان هوا سرد است و برف می‌آید: ص ۹. سرمای زمستان همیشه تاثیر ناخوشایندی در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. نویسنده به عمد چنین صحنه‌هایی را خلق می‌کند تا به تدریج خواننده را با مقوله جنگ و دفاع مقدس آشنا سازد و شخصیت‌های داستان را در موقعیت خطرناک قرار دهد. ستم ستیزی عناصر طبیعت با رزمندگان را در صفحات ۹۹ و ۱۹۸ هم مشاهده می‌کنیم. تحمل سختی و مشقت علاوه بر تحمل هوای سرد، شامل بی‌خوابی‌های مفرط، بوی لاستیک سوخته، بویی زهم ماهی، رفتن به دست شویی‌های نامناسب در شب‌های حمله و بوی گند و متعفن آن و مثال‌های فراوان دیگر.

ه) توجه و علاقه به مسائل عبادی و احکام عملی: همان طور که می‌بینیم توجه و علاقه رزمندگان در فضای جبهه به مسائل عبادی، فضای جبهه را روحانی و عرفانی کرده بود و هر گاه از جبهه و رزمندگان یاد می‌شود بیش از هر چیز آن فضاها را روحانی و عرفانی تداعی می‌شود. در این رمان هم نویسنده به ذکر و مناجات رزمندگان در شب عملیات اشاره می‌کند: ص ۹۷. هم‌چنین به سختی آن‌ها در موقع وضو گرفتن اشاره می‌پردازد: ص ۵۵. در صحنه‌ای اذان گفتن بسیجیان به نمایش گذاشته شده: ص ۸۵. در صحنه‌ای دیگر از تنبلی رزمندگان برای وضو گرفتن و خواندن نماز می‌گوید: ص ۱۰۹، هم-چنین توجه به احکام شرعی در صحنه نبرد و در جایی که با کمبود آب مواجه هستند تیمم می‌کنند: ص ۱۰۴.

۵- ترسیم و توصیف صحنه نبرد: در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» از آنجایی که محور اصلی، جنگ و نبرد در جبهه است یک روایت به شدت واقع‌گرایانه است از خط مقدم. بزرگ‌ترین عملیات دوران دفاع مقدس، یعنی «کربلای ۵» روایتی که بی‌پروایانه خودِ جنگ را به نمایش می‌گذارد. جنگ خالص و پر وضوحی که تلخ و سرد است و در درونش فاصله میان مرگ و زندگی، یکی دو سانتی متر بیشتر نیست. جنگی که به واقع، اگر «دفاع» نبود، مقدس هم نبود.

«سفر به گرای ۲۷۰ درجه» روایت مانایی از رنج‌های همیشگی حق در برابر باطل است. رنج‌هایی که عمیق‌اند و سال‌ها بر پیکره یک جامعه طرحی از خود به یادگار می‌گذارد. ترسیم و توصیف صحنه نبرد در این رمان شامل هجوم و بمباران توسط دشمن و حضور رزمندگان در این عرصه است. در این رمان هجوم تانک‌های دشمن و مقابله رزمندگان در مقابل آنها گاهی با ترس و اضطراب همراه است: ص ۱۴۲ و گاهی با سنگینی آتش دشمن در زمین‌گیر شدن نیروها: صفحات ۱۰۳، ۱۵۳ و ۱۶۱. بنابراین در این رمان بیشتر شرح و توصیف‌ها مربوط به ترسیم صحنه نبرد بوده است.

پس نویسنده لازم ندیده با اغراق کاذب ادعا کند که راوی و یارانش با کمترین ترس و وحشتی بیگانه بودند. او همان گونه که اشاره کردیم در وجود راوی و دیگر شخصیت‌ها ترس و دلهره و وحشت را که خصایلی انسانی هستند نمایش می‌دهد تا به مقاومتشان ارزش بیشتری ببخشد.

۶- وضعیت مجروحان و امدادگران: در این رمان که حوادث به صورت رئالیستی برای خواننده گزارش داده می‌شود، نقش امدادگران و مجروحان به خصوص در جاهایی که رمان در فضای جبهه و نبرد ترسیم می‌شود، بارزتر است. هر جایی از داستان که وضعیت مجروحان شرح داده می‌شود بلافاصله امدادگران را حاضر می‌بینیم. ما در این رمان به شخصیت امدادگری برخورد نمی‌کنیم بلکه به صورت کلی از لفظ «امدادگران» بهره جسته است که در صفحات ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۷۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰ و ۱۹۱ مشاهده می‌کنیم. نویسنده در صفحه ۲۰۸ از زبان راوی به این نکته اشاره می‌کند که جنگ، اخلاق

خاص خود را دارد و فضای جنگ ایجاب می‌کند خواننده در جریان جزئی‌ترین شرح‌ها از وضع مجروحان قرار بگیرد.

۷- اوقات فراغت و شوخ طبع در جبهه: در محیط جبهه همه وقت رزمندگان صرف نبرد علیه

دشمن نمی‌شد. آنها به کارهای فرهنگی، ورزشی، آموزشی نیز در این فضا می‌پرداختند. گویا جبهه برای آنان به مثابه دانشگاهی است که در آنجا به تعلیم می‌پردازند. در این رمان نویسنده به بازی‌هایی که رزمندگان می‌کردند اشاره می‌کند از جمله بازی فوتبال و بازی‌های دیگر که در صفحه ۴۷ و ۴۸ به آن پرداخته است.

« علی پابره‌نه می‌آید. بی آن که چیزی بپرسد می‌گویم: "معرفی شدم به گروهان." می‌گوید: " برو برگه‌تو بده به گروهان و بیا. بچه‌ها دارن می‌یان فوتبال. تو تیم خودمون می‌کشیمت تا بیایی. بدو." »

و یا عده‌ای که مشغول واکس زدن پوتین‌ها بودند. (همان، ۴۸)

یکی دیگر از ویژگی‌ها و محورهای قابل بررسی در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» حضور طنز لطیف و شوخ طبعی‌های مفرح شخصیت‌ها در رمان است. از ویژگی‌های منحصر به فرد دفاع هشت ساله، حضور اقشار مختلف در جبهه است. مردم از هر قشر و طبقه‌ای در جبهه حاضر می‌شدند و همین باعث تلطیف فضای جبهه می‌شد. هرچند در این رمان نویسنده درباره بسیج مردمی که در جبهه حضور یافته‌اند و اینکه از کدام قشر و گروه هستند چیزی نمی‌گوید ولی به طور کامل حضور هر یک از شخصیت‌ها را معرفی می‌کند. این رمان، رمان لطیف و خواندنی است چراکه فضای شاد زندگی جوانان رزمنده در کنار خشونت تراژیک جنگ فضای خاصی به رمان بخشیده است. و همین اوضاع و احوال است که بر خواننده تاثیر می‌گذارد. چراکه او پا به پای رزمندگان، اندوهگین می‌شود و از حرکات و رفتار و صحبت کردن آنان گاهی به خنده می‌افتد. نویسنده این نکته را مد نظر داشته و سعی کرده است روایت و شرح وقایع به گونه‌ای باشد که برای گریز از فضای یکنواخت، فضایی طربناک و طنزی لطیف

را در رمان از طریق خصلت‌ها و موقعیت‌های کمیک و طنزآمیزی که به شخصیت‌ها می‌دهد ایجاد کند. مثلا شخصیت میرزا- کمیک‌ترین شخصیت در رمان- به خاطر لکنت زبانی که دارد و دست انداختن دوستانش حال و هوای خاصی را در بین دوستانش ایجاد می‌کند: ص ۱۰۵. یا شخصیت علی، شخصیت بی‌پیرایه‌ای که همیشه در حال خنده و شوخی است و در همان ابتدای رمان از هنگامی که وارد خانه ناصر می‌شود شوخی و خنده را شروع می‌کند:

«علی لحظه‌ای کم نمی‌آورد. می‌خندد، می‌خورد و یکریز حرف می‌زند.» (همان، ۲۱)

شوخی‌های علی ادامه دارد. اما در طی رمان در صفحات ۲۲ شوخی‌هایی با امام حسین شده که نه تنها شایسته نیست بلکه دور از انصاف است که فردی به این شکل با ایشان شوخی کند. از دیگر شخصیت‌های طنز، حیدر معاون گروهان: ص ۳۴، اصغر پیک گروهان: ص ۳۴ و راننده داش مشتی: ص ۳۵ هستند. در حقیقت نویسنده برای ایجاد فضای طنز از نقص‌های جسمانی افراد هم غافل نبوده است. گاهی نیز رزمندگان به صورت گروهی فضای شاد را به وجود می‌آورند: ص ۷۰.

۸- تبلیغات: در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» تمام ایده‌ها از طریق یک سرباز جوان روایت

می‌شود و چون تبلیغات نقش مهمی در جذب نیروها به جبهه داشت، تبلیغات رادیویی، تلویزیونی، پوسترها، تصاویر و شعارها هم مهم بودند. آغاز تبلیغات در زادگاه ناصر است: دیوارها با پوسترهای یکسان پوشیده شده‌اند، اعزام صدهزار نفری سپاهیان محمد (ص): ص ۹. در خانه هم تبلیغات تلویزیونی را بیشتر می‌بینیم. صفحات ۱۲، ۱۳، ۱۷ و ۲۳. انواع این پوسترهای تبلیغاتی، گزارش‌های رادیویی و تلویزیونی همه تاکتیک‌های رسانه‌ای هستند که برای تقویت وحدت ملی در خانه طراحی شده است. این تبلیغات در خانه و شهر راوی داستان باقی نمی‌ماند بلکه در جبهه برای بالا بردن روحیه رزمندگان در طول نبرد شاهد تبلیغات رادیویی هستیم. نویسنده این تبلیغات رادیویی را تا فضای جبهه هم کشانده است که در صفحات ۸۹، ۹۳، ۱۰۰، ۱۸۶، ۱۹۸ و ۲۱۷ ادامه دارد.

۹- جامعه: جامعه در زمان جنگ به چند قسمت تقسیم می‌شود: مسائل و افرادی که پشت جبهه ولی در ارتباط با جبهه هستند از جمله خانواده‌های رزمندگان، افرادی که در این جامعه زندگی عادی خود را دارند، و افرادی که در زمان جنگ در جامعه جنگ زده قصد سوء استفاده و فرصت‌طلبی دارند. در ابتدای رمان هنگامی که ناصر (راوی داستان) برای اینکه از وضعیت دوستانش مطلع شود به سراغ آنها می‌رود، نویسنده به چادرهای کمک به جبهه که در راه ناصر وجود دارد اشاره می‌کند: ص ۱۰ و به مسائل و مشکلات مردم پشت جبهه در زمان جنگ از جمله نگرانی و دغدغه خانواده ناصر در صفحات ۱۰، ۱۱، ۲۵ و ۲۷. چراکه پدر، مادر، برادر و خواهر کوچک‌تر ناصر سخت نگران تصمیم او برای رفتن به جبهه هستند و نوع واکنش‌هایشان متفاوت است. تصویری که نویسنده از خانواده ناصر نشان می‌دهد بسیار انسانی است؛ خانواده‌ای که به انقلاب و ضرورت دفاع معتقدند اما دوری پسر بزرگشان نیز بی‌تابشان می‌کند. گویا همان کشمکش همیشگی است که میان ایمان و احساس در بین خانواده‌های رزمندگان هشت سال دفاع مقدس وجود داشت. اینها از افراد همین جامعه جنگ‌زده هستند که کاملاً در ارتباط با جنگ هستند.

قسمت دیگر این جامعه را افراد و مسائلی تشکیل می‌دهند که کاملاً بی‌ارتباط با جنگ هستند و افرادی که زندگی عادی خود را می‌کنند. هم‌چنان که راوی خود در رمان به آن اشاره می‌کند. در زمانی که برای درمان ترکش که در فکش است به بهداری در شهر اهواز می‌رود:

« ما برای مردم، عادی شده‌ایم. شاید هر روز ده‌ها اتوبوس گل‌مالی شده پر از مجروح از جلوی رویشان گذشته. مردم زندگی عادی خود را می‌کنند.» (همان، ۲۰۹) و هم‌چنین در صفحه ۲۱۹. و یا مش رجب نمونه یک انسان فرصت‌طلب در جامعه زمان جنگ که هرچند در ظاهر این را نشان نمی‌دهد اما در باطن گویا به فکر نفع و سود خود است: ص ۲۲۰.

ناصر نمی‌تواند خود را با جامعه وفق دهد چراکه او به آن زندگی سخت و مصائب جنگ عادت کرده و در واقع او قادر به تطبیق و سازگاری با جامعه‌ای که او را به تلاش و مبارزه برای رسیدن به حق لازمه، یعنی زندگی فرامی‌خواند نیست.

۱۰- زنان: زنان از جمله گروهی بودند که در زمان جنگ نقش مهمی را ایفا کردند. از جمله مادران رزمندگان که با صبوری و شکیبایی خود و برای رضایت و خشنودی خود جوانانشان را به سوی میادین دفاع از این مرز و بوم فرستادند. در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» حضور زنان در داستان کم‌رنگ است مگر در قسمت‌های آغازین رمان که نویسنده به توصیف اوضاع و احوال خانواده راوی در تصمیمی که برای رفتن به جبهه دارد، می‌پردازد و حضور مادر وی را در چند صفحه به تصویر می‌کشد: توجهات مادر به ناصر: ص ۱۱، دغدغه و نگرانی مادر احمد (دوست ناصر) از زمانی که فرزندش به جبهه رفته و هر لحظه منتظر آمدن یا خبری از اوست: ص ۱۰، در ادامه از نقش حساس مادر هنگامی که باید پدر خانواده را هم از تصمیم ناصر برای رفتن به جبهه آگاه کند: ص ۲۵، لحظه بدرقه فرزندش ناصر که در عین بی‌تابی ولی راضی از اینکه فرزندش داوطلبانه به جبهه می‌رود: ص ۲۹.

۱۱- کودکان و نوجوانان: در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» ما فقط در خانواده ناصر با خواهر کوچکش رویا و برادر کوچکش مصطفی مواجه هستیم که این را می‌توان از نوع رفتارشان در رمان فهمید. مصطفی که ناصر با او رابطه صمیمانه‌ای ندارد، در دو مورد در رمان حضور دارد؛ یکی در اوایل رمان هنگامی که ناصر می‌خواهد به جبهه برود و یکی هم موقع برگشتن او به خانه. اما رویا غیر از این دو مورد در مواقع دیگری هم در فضای رمان به ذهن و خاطر ناصر می‌آید و به خاطر رابطه صمیمانه و دوستی که بین این دو وجود دارد گاه گاهی ناصر به یاد خواهر کوچکش می‌افتد. مثلاً هنگام اعزام به خط مقدم و شروع عملیات خواب می‌بیند رویا می‌گریسته و به دنبالش می‌دویده. ناصر می‌خواسته بایستد و هر کاری می‌کرده نمی‌توانسته و نیرویی او را به جنگلی که در مه بوده می‌برده است: ص ۱۱۶.

محور اصلی رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» جنگ و نبرد در جبهه است اما در جبهه نبرد هم نوجوانانی حضور دارند که آن قدر بزرگ می‌اندیشند که نمی‌توان آنها را در زمره مردان به حساب نیاورد. نوجوانانی که به بلوغ کامل سنی نرسیده‌اند ولی با اشتیاق در جبهه حضور می‌یابند و همراه دیگران در عملیات حاضر می‌شوند. رسول یک از این افراد بود. به دلیل روح بلندش نمی‌توان او را مرد به حساب نیاورد. دهقان در جاهای مختلف رزمندگانی را توصیف می‌کند که هنوز مو بر صورتشان نرویده است و در صحنه‌هایی مجروح یا شهید شده‌اند. این خود نشان از این دارد که نسل نوجوان ایران در مبارزه با دشمن، خودش را موظف دانسته که هم‌پای مردان، مردانه بماند و بجنگد.

انجمن علمی زبان ادبی فارسی



ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

نتیجه‌گیری

«سفر به گرای ۲۷۰ درجه» کاملاً شبیه زندگی طبیعی است. همان ویژگی‌های طبیعت را دارد. از این جنبه که به ذات آدمی نزدیک است، دارای جذابیت است. اما از این نظر که صنعت انسانی در آن دخالت کمی دارد، خام به نظر می‌رسد.

در این رمان همان‌طور که در تحلیل و بررسی بازتاب موضوعات دیدیم، نویسنده موضوعاتی را به رمان می‌کشد که کمتر سر و کاری با آن داشته‌ایم و همین موجب می‌شود متن جذاب باشد. اما

نویسنده در بازنمایی و انعکاس بخشی از این موضوعات به خواننده، به خصوص در بیان حال و هوای جبهه و نمایش ستیز و رشادت و ایثار و فداکاری و صبر و مقاومت رزمندگان و بیان دنیای پاک بسیجیان در جبهه، فضایی کاملا متفاوت را در رمان خلق کرده است. در رمان گاهی با رفتارهایی از طرف رزمندگان مواجه می‌شویم که مناسب با حال و هوای جبهه نیست.

نویسنده در رمان مستقیما به وجود نیروهای مردمی و بسیج اشاره نمی‌کند. اما در جبهه افراد گوناگونی حضور داشتند و در این رمان نیز ما با تعدد شخصیت‌هایی مواجه هستیم که خواننده با مشاهده اعمال و رفتار آنها می‌تواند به این نتیجه برسد که آنها همان نیروهای مردمی هستند که به اختیار خود و با علاقه وصف‌نشدنی در میدان جنگ حضور پیدا می‌کنند و برای این حاضرند به خانواده خود التماس کنند تا سرانجام آنها را راضی کنند. هرچند به انگیزه شخصیت‌ها برای حضور در جبهه اشاره‌ای نشده است اما نویسنده سعی کرده حضور آنها در خوفناک‌ترین مناطق و در ترسناک‌ترین جاها برای خواننده به تصویر بکشد.

از آنجا که جنگ واقعیت غیر قابل انکار است، در این رمان نویسنده سعی کرده بازتاب این واقعیات را با ترسیم و توصیف جزئی‌ترین مسائل در صحنه نبرد به نمایش بگذارد. ولی ما حضور فیزیکی دشمن را نمی‌یابیم. فقط با تانک‌ها و ادوات پیچیده دشمن مواجه می‌شویم.

فضای جبهه، حال و هوای روحانی را به ذهن خواننده تداعی می‌کند ولی در این رمان معنویت حاکم بر جبهه، توسل‌ها، سجده‌ها، نیایش‌ها، دعاها و زمزمه‌ها، خصوصا در شب عملیات چیزی ذکر نمی‌شود. گاهی مواردی که شاید لازم نباشد از جمله به بلوغ رسیدن و اعتماد به نفس پیدا کردن جوانان ایرانی در دوران سخت جنگ را به زیبایی نشان می‌دهد.

نویسنده سعی کرده با تلطیف فضای جبهه، شوخ طبعی و زنده‌دلی بسیجیان را بسیار به نمایش بگذارد. اما گاهی از این نکته غافل است که آنچه ذکر می‌کند وقتی در کنار هم قرار گیرد نتیجه‌ای معکوس می‌دهد و به شخصیت این قهرمانان و دلاوران لطمه می‌زند.

جامعه زمان جنگ در این رمان از همه جهات مورد توجه واقع شده است. در این جامعه با افرادی مواجه می‌شویم که در ارتباط با جنگ هستند و اخبار آن را دنبال می‌کنند. از جمله دغدغه و نگرانی‌های خانواده‌ها بالاخص مادران رزمندگان به خوبی به تصویر کشیده شده است. و گاهی با افرادی مواجه می‌شویم که زندگی عادی خود را بدون هیچ توجهی به رزمندگان و جنگ دنبال می‌کنند. و هم‌چنین با افراد فرصت‌طلب و سودجویی که سعی می‌کنند در ظاهر توجه به رزمندگان داشته باشند و اخبار جنگ و جبهه‌های نبرد را دنبال کنند اما در باطن این گونه عمل نمی‌کنند. از آنجایی که جنگ آداب و رسوم خاص خود را دارد، راوی داستان با این آداب خو گرفته و نمی‌تواند خود را با چنین جامعه‌ای وفق دهد. بنابراین می‌توان گفت در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» زندگی، شهر، جنگ و همه چیز واقعی است. شخصیت‌های داستان بدون اینکه در لفافه و هاله‌ای از نور و تقدس جای گیرند، در شهر شهروند و در جنگ رزمنده‌اند. نه در زندگی شهری‌شان رزم را فراموش کرده‌اند و نه در نبردشان از انسانیت به تقدس رویایی صعود کرده‌اند.

رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» را جزو طلایه‌داران کاروان ادبیات دفاع مقدس محسوب می‌کنند، به این دلیل که دهقان با خواننده صادق است و این صداقت از رزمنده بودن او سرچشمه می‌گیرد چراکه او با تمام وجود خود جنگ را دیده و احساس کرده است و تمام مشاهداتش را کاملاً به خواننده نشان می‌دهد. اما نویسنده رمان در بازتاب بخشی از موضوعات، همان طور که اشاره کردیم فضایی کاملاً متفاوت که قابل مطابقت با فضا و حال و هوای جبهه نبود، خلق کرده است و گویا برای پرهیز از کلیشه بودن و شعار زدگی، رمانی متفاوت را به وجود آورده که جایزه بیست سال داستان نویسی را به خود اختصاص داده است.

منابع

کتاب‌ها:

برادبری، مالکام، "رمان چیست"، (مترجم: محسن سلیمانی)، چاپ سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴
پارسی نژاد، کامران، "جنگی داشتیم، داستانی داشتیم (تحلیل و بررسی ۱۴ عنوان کتاب
داستان)"، تهران، نشر صریر، ۱۳۸۴
دهقان، احمد، "سفر به گرای ۲۷۰ درجه"، چاپ هفتم، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۸.
زاهدی مطلق، ابراهیم، "نسل باروت"، چاپ اول، تهران، نشر صریر، ۱۳۸۴.
سلیمانی، بلقیس، "تفنگ و ترازو (نقد و تحلیل رمان‌های جنگ)"، چاپ اول، نشر روزگار،

۱۳۸۰

مقالات:

دهقان، احمد، "گفتگو با احمد دهقان به بهانه چاپ دشتبان"، روزنامه قدس، سال بیست و
دوم، شماره ۶۱۶۳، سه شنبه ۹ تیر ۱۳۸۸.

ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی

سایت‌ها

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

www.ketabnews.com

www.sajed.ir